

مطالعه بینامتنی قالیچه داستانی حضرت سلیمان و ملکه سبا

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۵/۰۲، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۷/۱۳

بیژن اربابی^۱، فائزه قملاقی^۲

چکیده

اگرچه امروزه ایران یک کشور اسلامی است، اما در دوره‌های مختلف تاریخی، مآمن مناسبی برای سایر اقلیت‌های مذهبی، بوده است. پیروان دین یهودی نیز مانند سایر ادیان و اقلیت‌های مذهبی از دوران باستان در ایران زندگی و کار کرده‌اند، که این امر در فرهنگ و هنر ایشان تأثیر گذاشته است. روایات و داستان‌های مذهبی همواره از جمله مسائل خوبی برای خلق آثار هنری هستند. به‌گواه اسناد و یافته‌های تاریخی فرش کهن ایرانی نیز، محملی جذاب و تأثیرگذار برای ثبت و ضبط باورها و حوادث مذهبی بوده‌اند. یکی از این نمونه‌ها، قالیچه منقوش موسوم به داستان حضرت سلیمان و ملکه سبا، با ترکیبی از باورهای دین یهود و فرهنگ و هنر ایرانی است. هدف از این تحقیق چگونگی تأثیر اعتقادات و باورهای دینی و نیز نحوه‌ی شکل‌گیری طرح‌ها و نقوش واقع‌گرایانه و انتزاعی در انتقال مفاهیم و اعتبارافزایی شأن و جایگاه اجتماعی آنان است. این پژوهش با استفاده از نظریه بینامتنیت و به‌روش کتابخانه‌ای و مصاحبه و به‌صورت کیفی به مطالعه اجزا و کلیات طرح و نیز نقش قالی پرداخته و بر آن است تا با خوانش مفاهیم و محتوای قابل دریافت از نقوش، ارتباط مستقیم و غیرمستقیم آنان را با فرهنگ و آیین یهود و هم‌چنین تطبیق آنان با آیات قرآنی و داستان حضرت سلیمان و ملکه سبا، تخت مشهور حضرت سلیمان و داستان‌هایی مربوط به پیامبران یهود از جمله حضرت ابراهیم، حضرت موسی و فرزندان یعقوب‌نبی بپردازد. هم‌چنین در پی یافتن پاسخ برای چگونگی تأثیر اعتقادات و باورهای دینی و نحوه‌ی شکل‌گیری طرح‌ها و نقوش واقع‌گرایانه و انتزاعی در انتقال مفاهیم و اعتبارافزایی شأن و جایگاه اجتماعی آنان است؟ نتایج حاصل از این تحقیق نشان می‌دهد که نقوش بافته شده بر روی فرش مربوط به دین یهود است که از این بین می‌توان به تصویر ملکه سبا و حضرت سلیمان، دوازده فرزند یعقوب‌نبی و تصاویری مربوط به داستان از آب گرفتن حضرت موسی و قربانی کردن حضرت ابراهیم اشاره کرد. با مطالعه بینامتنی نقوش می‌توان به‌حضور آن‌ها در باور و کتاب مقدس مسلمانان یعنی قرآن نیز پی برد.

کلیدواژگان: هنر یهودیان، قالیچه، داستان حضرت سلیمان و ملکه سبا، بینامتنیت.

۱. عضو هیئت‌علمی گروه فرش، دانشکده هنرهای کاربردی، دانشگاه هنر، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
E-mail: b.arbabi@art.ac.ir

۲. کارشناس ارشد فرش، دانشگاه هنر، اصفهان، ایران
E-mail: ghomlaghifaezeh@yahoo.com

مقدمه

ایران در برهه‌های بسیاری از تاریخ، جایگاه مناسبی برای زندگی اقوام با ادیان و مذاهب گوناگون، از جمله یهودیت بوده است. از دوره قاجار به بعد، به دلیل گستردگی ارتباطات میان دولت ایران و کشورهای غربی، و تأسیس تشکیلات یهودیان مانند آلیانس^۳ و مؤسسات فراماسونری^۴، شرایط زندگی آن‌ها نسبت به گذشته، بهتر و در نتیجه، فعالیت‌های سیاسی، فرهنگی و هنری آنان نیز بیش‌تر شد. از جمله فعالیت‌های فرهنگی و هنری یهودیان ایران، قالی‌بافی، به‌ویژه در شهرهای کرمان، کاشان، اصفهان، تبریز و سراب بود. ارتباط تجاری و اقتصادی ایران و اروپا در دوره قاجار، سبب توجه بیش‌ازپیش آنان به فرش ایرانی گردید. به دلیل تقاضای زیاد اروپائیان در ایران کارگاه‌های فرش‌بافی تأسیس شد و جهان‌گردان غربی در سفرنامه‌های خود از مرغوبیت، زیبایی و دوام فرش دست‌باف ایرانی تعریف کردند. از آن‌جا که فرش دست‌مایه‌ای ارزشمند و با ثبات برای نمایش فرهنگ و داشته‌های بافندگان و طراحان ایرانی آن بود، صدور فرش ایرانی به اروپا سبب آشنایی بیش‌تر آنان با فرهنگ اقوام ایرانی گردید. در این میان، فرش‌های تولیدی یهودیان ایران نیز مشتریان زیادی در اروپا پیدا کرد و این امر سبب ظهور بار فرهنگی اقلیت مذکور بر دست‌بافته‌هایشان و معرفی آن به اروپائیان شد.

قالیچه معروف به «حضرت سلیمان و ملکه سبا» از نمونه‌های مطرح در این زمینه است که با استناد به منابع مقدس دین یهود در کاشان بافته شده است. در این پژوهش با رویکردی بینامتنی، نقوش فرش مذکور با باورهای منبعث از منابع مقدس قوم یهود مقایسه شده، با این هدف که بن‌مایه فرهنگی تأثیرگذار بر ترسیم این نقش داستانی و تلفیق و ترکیب آن با میراث ایرانی و اسلامی مشخص شود. بر اساس نظریه‌ی منتج از روش مطالعات تاریخ هنری ترامنتیت از اندیشمند سده بیستم، «ژرارد ژنت»^۵، که روابط میان متن‌ها و آثار هنری را با سایر آثار اجتماعی، سیاسی، ادبی، تاریخی، مذهبی و غیره به انواعی از جمله بیش‌منتیت، بینامتنیت، سرمنتیت، پیرامنتیت و غیره تقسیم کرده، در بینامتنیت، هیچ متن یا تصویری بدون بهره‌گیری یا تأثیر از متن‌های پیشین، هم‌جوار و هم‌زمان خود شکل نمی‌گیرد و مقایسه و مطالعه هر اثر می‌تواند، ارتباط و میزان تأثیر از سایر متن‌ها را آشکار سازد (Mirenayat & Soofastaei, 2015).

از کشفیات مهم قرن بیستم در زمینه‌ی مطالعات تاریخ هنر،

بینامتنیت است، که به رابطه میان دو یا چند متن اشاره می‌کند که در یک متن مستقل حضور می‌یابند. «تمامی گونه‌های نوشتاری، گفتاری و تجسمی هر ملتی بر اثر تأثیرات متقابل و با ارجاع به آنچه که قبل‌تر وجود داشته، هستی می‌یابد. به بیان دیگر گفته‌ها و برگرفته‌ها، و نقش‌ها دارای رابطه و شبکه پیچیده‌ای هستند که موجب پدید آمدن متن‌های نو و حضور متن‌های گذشته در آن‌ها می‌شود. در پرتو چنین رابطه‌ی تودرتویی است که میراث بشری از نسلی به نسل دیگر و از متنی به متن دیگر منتقل می‌شود» (قره‌باغی، ۱۳۸۱: ۳۸). بر پایه این نظریه هیچ متنی بدون ارتباط با متون دیگر شکل نمی‌گیرد و همواره با بهره‌گیری - خودآگاه یا ناخودآگاه- از متن‌های دیگر خلق می‌شود و اشاره به شیوه‌ای دارد که معناهای هر تصویر یا متن نه تنها به آن متن یا تصویر بلکه به معناهای تصاویر و متون دیگر بستگی دارد. «بینامتنی مجموعه متن‌هایی است که یک فرد در خاطراتش هنگام خوانش یک نوشتار معین در می‌یابد. بنابراین بینامتنیت جنبه‌ی فردی و شخصی می‌یابد و بر اساس شرایط فرهنگی و شخصی افراد تغییر می‌کند که همین امر موجب پیدایش خوانش‌های گوناگون از یک متن واحد می‌شود (شاهرخی شهرکی، بیگ‌زاده و صادقی، ۱۳۹۶، ۱۲۳-۱۲۰).

از انواع مختلف این رویکرد می‌توان به بینامتنیت درون‌نشانه‌ای و بیناناشانه‌ای اشاره کرد. «زمانی که دو متن به یک نظام نشانه‌ای مثلاً کلامی و یا تصویری تعلق داشته باشند در این صورت رابطه‌ی آن‌ها از نوع درون نشانه‌ای است، اما هنگامی که دو متن از دو نظام متفاوت بررسی شوند، در این صورت رابطه آن‌ها بیناناشانه‌ای خواهد بود که در این‌گونه بینامتنیت امکان مطالعه‌ی روابط متن‌هایی از نظام‌های گوناگون نشانه‌ای در رابطه ادبیات و هنر و نیز انواع هنر با یکدیگر را فراهم می‌کند» (نامور مطلق، ۱۳۹۴: ۲۶۰). گونه‌ی دیگر تقسیم‌بندی بینامتنیت، صریح، پنهان و ضمنی است. در گونه صریح، مؤلف، قصد پنهان کردن مرجع متن خود را ندارد؛ در نوع پنهان مؤلف می‌کوشد مرجع بینامتن خود را پنهان کند؛ و در بینامتنیت ضمنی مؤلف قصد پنهان کردن متن مرجع را ندارد و از نشانه‌هایی استفاده می‌کند که از طریق آن‌ها می‌توان بینامتنی را تشخیص داد (نامور مطلق، ۱۳۸۶، ۸۸). از تقسیمات دیگر بینامتنیت می‌توان به درون فرهنگی و بینافرهنگی اشاره کرد. زمانی که دو اثر متعلق به یک فرهنگ خاص هستند، رابطه‌ی آن‌ها درون فرهنگی است؛ اما اگر از فرهنگ‌های متفاوت برخاسته باشند بینافرهنگی نامیده می‌شوند (نامور مطلق، ۱۳۹۴، ۲۶۱-۲۶۰). استفاده از شیوه‌ی

3. Alliance Israélite Universelle

4. Freemasonry

5. Gérard Genette

مذاهب تشیع و تسنن صورت گرفت و همین امر به بهبود شرایط ادیان دیگر از جمله یهودیان منجر شد» (آفاری، ۱۳۸۴: ۱۳۷). محیط زندگی قاجارها به دور از تبلیغات مثبت و منفی علیه قوم یهود بود؛ به همین دلیل قاجارها احساسات ضد یهود نداشتند. با تثبیت حکومت قاجار در ایران، ابتدا جریان ضد یهود تجدید شد؛ اما در زمان ناصرالدین شاه، یهودیان سرشناسی مانند «آلیانس اسرائیلیت» و «آگودت حنیم» به ایران وارد شده و به همراه موسسات فراماسونری اروپا، اقداماتی در جهت زدودن جریانات ضد یهود انجام دادند که منجر به کاستن فشار علیه قوم یهود شد (لوی، ۱۳۳۳، ۵۲۱-۵۰۹). هم‌چنین با پیروزی مشروطه‌خواهان و تشکیل مجلس شورای ملی، یهودیان در کنار اقلیت‌های مسیحی و زرتشتی، نماینده‌ای در مجلس داشتند (آفاری، ۱۳۸۴، ۱۹۴).

فرش ایران در دوره قاجار

تقاضاهای گسترده‌ی اروپائیان برای خرید قالی، منجر به توجه بیش‌ازپیش سران قاجار نسبت به این محصول و اعطای مجوز برای تأسیس شرکت‌های فرش زیگلر، برادران کاستلی، قالی مشرق زمین و شرق لندن در ایران شد (ژوله، ۱۳۸۱، ۱۸؛ اتیک، ۱۳۸۴، ۹۵). تداوم فعالیت‌های این شرکت‌ها و حضور گسترده‌ی طراحان و بافندگان ایرانی فرش در این دوره، تحولات قابل توجهی را در زمینه تولید فرش در شهرهای مختلف ایران، و از جمله کاشان داشت (اسکارچیا، ۱۳۷۶، ۵۵؛ صباغ‌پور و شایسته‌فر، ۱۳۸۸، ۱۱۲-۸۹). در تلاش برای تولید روزافزون فرش در ایران، یهودیان نیز که خود وام‌دار فرهنگ ایران بودند، نقش تعیین‌کننده‌ای در انتقال آن از طریق تولید فرش برای اروپائیان داشتند. سده ۱۹ میلادی، دوره اوج و شکوفایی تولید و بافت فرش در میان یهودیان بود که در شهرهای کاشان، اصفهان، کرمان، تبریز و سراب به‌بار نشست. به این ترتیب قوم یهود با تولید، دادوستد و صادرات فرش ایران به اروپا، موقعیت ویژه‌ای در اقتصاد ایران به‌دست آوردند که مرکزیت آن، کاشان بود.

مطالعه متن قالیچه حضرت سلیمان و ملکه صبا

قالیچه موسوم به حضرت سلیمان و ملکه صبا، دست‌باف ابریشمی، با اندازی (۱۹۷ در ۱۳۵)، در سال (۱۸۵۰م)، و هم‌زمان با حکومت ناصرالدین شاه قاجار در شهر کاشان و توسط بافندگان یهودی تهیه شده است. این قالی حاشیه‌ی بزرگی مصور به باورهای بنی اسرائیل و سمبل دوازده پسر حضرت

بینامتنی در این پژوهش، به این دلیل است که قالی مورد بررسی، از نظر ساختار، نقش و مفهوم مطالعه شده و هم‌چنین متن‌های مذهبی قوم یهود، فرهنگ پیرامون و تأثیرات هم‌نشینی با باورها و ویژگی‌های مرتبط با فرش ایرانی در آن‌ها مشخص، مقایسه و تحلیل شود.

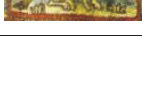
پیشینه‌ی پژوهش

در ارتباط با موضوع پژوهش پیش‌رو منبعی یافت نشد، اما تحقیقات پیرامون فرش‌بافی و شهرهای مهم بافت قالی، وضعیت فرقه‌های مذهبی، اوضاع اجتماعی و سیاسی، و از جمله ارتباطات ایران و غرب در دوره‌ی قاجار و تأثیر این روابط بر رونق بازار فرش در این دوره، پژوهش‌های زیادی انجام شده که مسلماً در این مقاله از آن‌ها استفاده زیادی شده که به برخی از آن‌ها اشاره شده است: قملاقی (۱۳۹۷) در پایان‌نامه خود باعنوان «مطالعه گفتمانی تأثیرات فرهنگ دینی در فرش دوره قاجار» به توضیح شرایط اجتماعی، فرهنگی و هنری یهودیان دوره قاجار پرداخته و یک نمونه از قالی‌های دوره قاجار با نقوش و مضامین منتسب به این قوم را تحلیل و بررسی کرده است. حیدری و فلاحیان‌وادقانی (۱۳۹۳)، در مقاله‌ای باعنوان «بررسی و تحلیل دو نظریه درباره پیشینه یهودیان کاشان در تاریخ ایران» نیز به‌وضعیت زندگی یهودیان ساکن کاشان و فعالیت آن‌ها در امور اقتصادی و نیز توجه و استعداد بازاریابی و فروش، مطالب قابل توجهی ارائه کرده‌اند. حیدری و فلاحیان‌وادقانی (۱۳۸۹)، در مقاله‌ی «تحولات اجتماعی یهودیان کاشان در دوره قاجار»، وضعیت یهودیان کاشان در دوره قاجار و شرایط اجتماعی آنان را از نظر مذهبی، اقتصادی و اجتماعی در این دوره با بهره‌گیری از منابع معتبر، متون و سفرنامه‌ها به‌ذیل قلم آورده‌اند. مقاله «بررسی قالی‌های تصویری دوره قاجار» عنوان دیگری از معرفی فرش‌ها و تصویرگری آن، در دوره قاجار است، که شایسته‌فر و صباغ‌پور (۱۳۹۰) به آن پرداخته‌اند و تأثیرات فرهنگ‌های مختلف در تهیه این قالیچه‌های تصویری را به بحث نهشته‌اند.

یهودیان دوره قاجار

«اگرچه با رسمی شدن مذهب تشیع در زمان صفوی، در زندگی اجتماعی و مناسک مذهبی مسیحیان، زرتشتیان و یهودیان، تغییرات و گاهی سختگیری‌هایی به‌وقوع پیوست، اما روند ادامه حضور آن‌ها در ایران و فعالیت این اقلیت‌ها ادامه یافت تا این‌که در زمان «نادرشاه افشار» اقدامات مهمی در جهت پیوند

جدول ۱. مشخصات کتیبه‌های مربوط به حاشیه فرش حضرت سلیمان و ملکه سبا (قسمت بالایی). (نگارنده)

شماره	تصویر قاب	مشخصات قاب و کتیبه‌های قسمت بالایی فرش
۱		مربوط به قبیله لوی که به تاجیکستان تشبیه شده است.
۲		شمشیر نماد و سمبل شمعون می‌باشد که به معنی جسر و خشن است.
۳		قبیله رنئون که به خورشید تابان تشبیه شده‌اند. «رنئون نخست زاده‌ام تویی قوت من هستی و اولین ثمره نیرویم از نظر مقام برتری و از نظر قدرت برتر» (وِیچی، فصل ۴۹، آیه ۳).
۴		تصویر شیر بیچه که نماد قوم یهودا که سمبل قدرت است. «یهودا شیربیچه‌ای هستی از گناه» شکار پسر (یوسف)، رستی. (یهودا) خم شده چون شیری کمین می‌کند و مانند شیر نری است، چه کسی او را بر می‌خیزاند» (وِیچی، فصل ۴۹، آیه ۹).
۵		الاغ نمادی از بارکش است که سمبل بیساختار است که یوغ دستورات خداوند و تورات را به‌دوش می‌کشد «بیساختار خری قوی هیکل بوده، مرزهای (علم و کشاورزی) را در اختیار دارد» (وِیچی، فصل ۴۹، آیه ۱۴).
۶		سمبل زوولون تصویر قایق و کشتی است چرا که این قبیله‌ها بعدها در سرزمین مقدس و در کنار دریا ساکن شدند. «زوولون در ساحل دریاها سکونت خواهد کرد و ساحلش برای کشتی‌ها مناسب و انتهایش تا صیدون خواهد بود» (وِیچی، فصل ۴۹، آیه ۱۳).
۷		مار یا افعی که به معنی پیروزی و نجات بخشی است به قبیله‌دان رسیده است. «دان ماری بر سر راه و مار شاخنداری برکنار جاده خواهد بود که پاشنه‌های اسب (دشمن) را می‌گزد و سوار آن (اسب) واژگون شدن سقوط می‌کند» (وِیچی، فصل ۴۹، آیه ۱۷).
۸		قوم نفتالی که به غزال تیزپا که خبرهای خوب و خوش را می‌رساند، تشبیه شده است.
۹		نماد قبیله گاد شکل پرچم است که نماد افتخار و خیمه است «گاد را دسته‌ای مورد تعقیب قرار می‌دهد اما او آخرالامر (دشمنان) را تعقیب می‌کند» (وِیچی، فصل ۴۹، آیه ۱۹).
۱۰		نماد قبیله آشر درخت زیتون است. «از (سرزمین آشر) فرآورده‌های چربی حاصل می‌شود و او مهیا کننده غذاهای شاهانه خواهد بود» (وِیچی، فصل ۴۹، آیه ۲۰).
۱۱		قبیله یوسف به شاخه‌ی نخل شاداب طرف جوی می‌مانند «یوسف شاخه بارور است، شاخه بارور بر چشمه هریک از شاخه‌هایش خود را از دیوار بالا کشیده است» (وِیچی، فصل ۴۹، آیه ۲۲).
۱۲		گرگ نماد بنیامین و سمبل قدرت است «بنیامین گرگی است که شکار خواهد کرد، بامدادان غارت را خواهد خورد و شامگاهان غنیمت را تقسیم خواهد کرد» (وِیچی، فصل ۴۹، آیه ۲۷).

دوره‌های آخر برای شما رخ داده به شما اطلاع دهم؛ تمام این‌ها قبایل نئسرائیل هستند و این چیزی است که پدرشان به آن‌ها گفته و دعایشان کرده هرکدام از آن‌ها را مناسب دعای خودش برکت نمود» (وِیحی، فصل ۴۹، آیات ۱ و ۲۸). بر طبق متون یهود یعقوب پیامبر هر کدام از فرزندان خویش را به یک حیوان، شی و گیاه تشبیه نموده، که این تشبیهات در کتیبه‌های بافته شده در این فرش آورده شده است. مشخصات و ویژگی کتیبه‌های مربوط به حاشیه فرش^۶ به این شرح است (جدول ۱). باید توجه داشت که طبق (تصویر ۱)، می‌توان دریافت که کتیبه‌های (شماره ۱ تا ۶) در مقابل هم و به صورت قرینه در سمت دیگر حاشیه‌ی فرش تکرار شده‌اند.



تصویر ۱. قالیچه حضرت سلیمان و ملکه سبا. (فلتون، ۱۹۹۷: ۵۸).

یعقوب (ع) دارد. «متن این قالی، طرحی محرابی شکل در قسمت بالا دارد که درون آن دو شخصیت، یک زن و یک مرد با ویژگی‌های خاصی روی صندلی نشسته‌اند، تصویر این دو به حالت سه‌رخ با ویژگی‌های هنر قاجار یعنی مردان با ریش بلند و سیاه، کمر باریک و نگاه خیره، در حالی که دستی بر شال کمر و دست دیگر بر قبضه خنجر دارد و زنان نیز با چهره بیضی، ابروان پیوسته و چشمان سرمه کشیده تصویر شده‌اند. جامگان، تاج و کلاه بافته شده در تصویر نیز همانند هنر قاجار سراسر نقش‌دار، فاخر و غرق در جواهرات و زینت‌ها تصویر شده‌اند و کوششی برای نشان دادن حالات روانی و عاطفی تصاویر صورت نگرفته است» (پاکباز، ۱۳۸۵: ۱۵۱). تصویر این مرد و زن نشسته بر تخت داخل فضای محرابی که با نقوش سنتی ایرانی، تزئین شده‌اند نشان داده شده است (تصویر ۱).

در زیر پای این دو شخص، در شش ردیف متن‌هایی بافته شده که به صورت ردیفی همانند پله تقسیم و داخل هر کدام از آن‌ها دو تصویر حیوان روبه‌روی یکدیگر قرار دارد. مابین این تصاویر خطوط عبری بافته شده و در دو طرف این فضا تصاویر گلدان و گل در فضای محراب و در قسمت بالایی نقوش اسلیمی و ختایی که از نقوش اصیل فرش ایران است در کنار ستاره داوود که از نقوش و نمادهای آیین یهود است به زیبایی بافته شده است. حاشیه فرش به دو قسمت تقسیم می‌شود که در قسمت اول بیست و چهار کتیبه قرار دارد که در اصل دوازده کتیبه است که در سمت مقابل حاشیه تکرار شده است. در داخل هر کتیبه تصویری از یک حیوان، گیاه یا شی به همراه خطوط عبری بافته شده که این دوازده کتیبه مربوط به دوازده فرزند حضرت یعقوب (ع) است. بر اساس آموزه‌های یهود هر کدام از فرزندان یعقوب نبی، صاحب یک قبیله و هر قبیله دارای یک نماد و سمبل می‌باشد، اما در منابع اسلام چنین نمادها و سمبل‌هایی را برای فرزندان یعقوب نبی متصور نشده‌اند. در قسمت دوم حاشیه حوادث و مکان‌های مهم در آئین یهود بافته شده که در زیر هر کدام از تصاویر به خط عبری به بخشی از این واقعه یا مکان اشاره شده است.

مطالعه بینامتن فرش

در کتب مقدس دین یهود آمده است که یعقوب نبی در اواخر عمر خود فرزندان را صدا زده و گفت «جمع شوید تا آنچه را که در

۶. خوانش کلیه خطوط عبری و تصاویر مربوط به آیین یهود با همکاری و دستگیری جناب آقای «یونس حمامی لاله‌زار» که توانایی بالایی در خوانش خطوط کهن عبری و آشنایی با تصاویر و مفهوم نقوش مربوط به آیین یهود انجام گرفته است. او مسئول امور فرهنگی انجمن کلیمیان تهران و خاخام کنیسه ابریشمی تهران است، که با صبوری، دانایی و بدون محدودیت در خوانش متون عبری، درک تصاویر و نمادهای مربوط به آیین یهود در شکل‌گیری متون این پژوهش یاری‌رسان بوده‌اند.

داستان از آب گرفتن حضرت موسی از اشتراکات بین ادیان آسمانی است. این داستان با اندک تفاوت‌هایی در قرآن نیز ذکر شده است در آموزه‌های دین یهود حضرت موسی توسط دختر فرعون از آب گرفته شد، ولی در قرآن همسر فرعون موسی را از نیل گرفت که این داستان در قرآن به این شرح است. حضرت موسی سومین پیامبر اولوالعزم و از نسل یعقوب و تبار بنی اسرائیل است. نام حضرت موسی ۱۳۶ مرتبه در قرآن آمده در قرآن کریم آمده است سه ماه بعد از تولد حضرت موسی فرعون فرمان قتل نوزادان پسر را صادر کرد و مادر موسی بنا به فرمان الهی فرزند را در صندوقی نهاد و به نیل افکند.

«وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّ مُوسَىٰ أَنْ أَرْضِعِيهِ ۖ فَإِذَا خَفَتْ عَلَيْهِ قَالَتْ قِيهِ فِي الْيَمِّ وَلَا تَخَافِي وَلَا تَحْزَنِي ۗ إِنَّا رَادُّوهُ إِلَيْكَ وَجَاعِلُوهُ مِنَ الْمُرْسَلِينَ» (سوره قصص: آیه ۷) و به مادر موسی وحی کردیم که طفلت را شیر ده و چون (از آسیب فرعونیان) بر او ترسان شوی به دریایش افکن و دیگر هرگز مترس و محزون مباش که ما او را به تو باز آوریم و هم از پیغمبران مرسلش گردانیم.

خواهر موسی در کنار ساحل به دنبال موسی روانه شد تا از سرنوشت صندوق برای مادر خبر آورد، صندوق وارد قصر فرعون شد و همسر فرعون (آسیه) به محض آن‌که به موسی نظر کرد خداوند محبت وی را در دلش افکند، سپس از فرعون خواست تا نوزاد را به فرزندگی قبول کنند.

«وَقَالَتِ امْرَأَتُ فِرْعَوْنَ قُرْتُ عَيْنَ لِي وَلَكِ لَا تَقْتُلُوهُ عَسَىٰ أَنْ يَنْفَعَنَا أَوْ نَتَّخِذَهُ وَلَدًا وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ» (سوره قصص، آیه ۹) و زن فرعون گفت: این کودک (مایه نشاط دل و) نور دیده من و

در قسمت پایین حاشیه حوادث و مکان‌های مهم تاریخ یهود به تصویر کشیده شده که در (تصویر ۲) نشان داده شده است، در پایین گوشه‌ها متفاوت‌اند و دو کنیسه اصلی در شهر قدیمی اورشلیم یا همان بیت المقدس را نشان می‌دهد و در پایین تصویر سمت راست (کتیبه شماره ۱) عبارت خانه یعقوب و در سمت چپ (کتیبه شماره ۹) عبارت خانه منتخب اسرائیل نوشته شده است که این عبارات در وصف «بیت همیقداش»^۷ یا «بیت المقدس» است.

شهر اورشلیم و مکان بیت المقدس از تاریخی‌ترین و مقدس‌ترین نقاط جهان است که مورد احترام همه موحدین جهان بوده و پیروان ادیان ابراهیمی در قداست آن اشتراک نظر دارند. از دیدگاه یهود معبد بیت المقدس معبدی است که به عنوان خانه خدا توسط حضرت سلیمان بنا شد و مرکز انجام مراسم عبادی یهودیان می‌باشد. در (قاب شماره ۴)، داستان از آب گرفتن حضرت موسی توسط دختر فرعون به تصویر کشیده شده و در قسمت زیرین قاب (کتیبه شماره ۳)، عبارت دختر فرعون که در زبان عبری به آن (بیتیا) گویند بافته شده است. هم‌زمان با تولد حضرت موسی در مصر فرعون دستور قتل تمام نوزادان پسر تازه متولد شده را داد (این فرمان برای آن بود که نسل بنی اسرائیل را در مصر ریشه کن کند) مادر موسی سه ماه بعد از به دنیا آمدن نوزاد، طفل را در صندوقی نهاد و آن را به رود نیل انداخت. دختر فرعون که در کنار رود نیل بود صندوق را مشاهده و به کنیزان دستور داد تا صندوق را از نیل گرفته و نزد او ببرند و تصمیم گرفت تا کودک را نزد خود نگه دارد (رضایی، ۱۳۸۹، ۴۲۱).



تصویر ۲. قاب و کتیبه‌های پایینی فرش حضرت سلیمان و ملکه سبا. (نگارنده)

۷. بیت همیقداش یا بیت المقدس (هیكل سلیمان یا معبد سلیمان یا هیكل مقدس)، بنابر متن تورات، خداوند وعده ساختن بزرگ‌ترین و مهم‌ترین معبد برای یهودیان را به حضرت داوود (ع) داده است. بر اساس کتاب مقدس و قرآن اولین معبد باستانی یهود بوده که در مجموعه پرستش‌گاه اورشلیم قرار داشته، و تا زمانی که در سال ۵۸۷ پیش از میلاد) به دست بخت نصر بابلی تخریب می‌شود. در زمان حضرت سلیمان، این معبد بزرگ ساخته شد. پس از خرابی دوم معبد، مکانی در آن‌جا ساخته شد. این مکان بعدها توسط مسلمانان، مسجد الاقصی خوانده شد (مسعودی، ۱۳۷۴).

قربانی کرد). در (سوره صافات آیات ۱۰۲ تا ۱۰۷)، بیان شده که ابراهیم گفت: ای پسر، در خواب دیدم که تو را ذبح می‌کنم بنگر که چه می‌اندیشی، گفت: ای پدر به هر چه مامور شده‌ای عمل کن که اگر خدا بخواهد مرا از صابران خواهی یافت، چون هر دو تسلیم شدند و او را به پیشانی افکند ما ندایش دادیم، ای ابراهیم خوابت را به حقیقت پیوستی و ما نیکوکاران را چنین پاداش می‌دهیم (صافات، آیات ۱۰۲ تا ۱۰۵). آن دو بعد از آن که تسلیم امر خدا شدند، ابراهیم فرزند خود را به صورت بر روی زمین خواباند و کارد را پشت گلوی او نهاد، ولی تیغ کارگر نیافتاد و رگ‌های اسماعیل بریده نشد. ابراهیم نبی از خدا خواست راه گریزی از این مشکل پیش پایش بگذارد و خطاب به ابراهیم ندا آمد «آنچه که در رویا از تو خواسته بودیم انجام دادی و اخلاص و تسلیم خود را ثابت کردی و ما بدین طریق نیکوکاران را پاداش می‌دهیم» و خداوند حیوانی را نزد ابراهیم فرستاد تا آن را قربانی کند. از آن روز سنت قربانی دستور واجبی برای مسلمانان شد و هر ساله در مناسک حج به یاد ذبح اسماعیل و نکوداشت مقام و فداکاری او حاجیان قربانی می‌کنند.

در فضای محرابی متن فرش تصویر حضرت سلیمان و ملکه سبا بافته شده و بین دو تصویر به خط عبری «ملکه سبا در حضور سلیمان» نوشته شده است (تصویر ۳). داستان حضرت سلیمان و ملکه سبا، از قصص مشترک بین ادیان آسمانی است، این داستان با اندک تفاوت‌هایی برای پیروان هر سه دین آسمانی اسلام، یهود و مسیح بیان شده و از جمله داستان‌های جذاب



تصویر ۳. حضرت سلیمان و ملکه سبا. (نگارنده)

توست، او را مکشید، باشد که در خدمت ما سودمند افتد و یا او را به فرزندی خود برگیریم، و آن‌ها (از حقیقت حال موسی و تقدیر ازلی حق) بی‌خبر بودند.

در (قاب شماره ۶)، دیوار غربی که به دیوار ندبه معروف است قرار دارد؛ و در (کتیبه شماره ۷)، عبارت دیوار غربی در زیر تصویر بافته شده است. نبوکدنصر پادشاه بابل دوبار (۵۹۷ ق.م و ۵۸۵ ق.م) به اورشلیم حمله و آن‌جا را تسخیر کرد و معبد بیت‌المقدس را خراب و یهودیان را به اسارت برد. کوروش کبیر در سال (۵۳۸ ق.م) بابل را تسخیر و به یهودیان آزادی کامل و اجازه بازگشت به اورشلیم را داد و بیت‌المقدس بعد از (۷۰ سال) ویرانی با مساعدت شاهان هخامنشی احیاء و آباد شد و بنی‌اسرائیل در آن‌جا ساکن شدند. «هاردیان» قیصر روم، دستور داد تا بیت‌المقدس را ویران و «معبد ژوپیتر» بر روی آن بنا کنند یهودیان بر بنای ویران شده معبد نظر می‌کنند و اشک حسرت می‌ریزند. از این‌رو، آن‌جا را دیوار ندبه نامیدند (اومستد، ۱۳۷۲، ۸۰-۷۷).

(قاب شماره ۸) اشاره به داستان قربانی کردن حضرت اسحاق توسط ابراهیم نبی دارد، که در زیر تصویر و در (کتیبه شماره ۹)، نیز عبارت (قربانی کردن اسحاق) بافته شده است. ابراهیم از پیامبران دین یهود است و قصه‌های زندگی او در (باب‌های ۱۲ تا ۲۵)، سفر پیدایش، اولین کتاب تورات، روایت شده است، که (آیات اول تا پانزدهم، باب ۲۲) این کتاب به موضوع قربانی کردن اسحاق پرداخته، که از این قرار است: «از طرف خداوند به ابراهیم وحی آمد که: یا ابراهیم اکنون اسحاق را که یگانه پسر توست بردار و به سرزمین موریاء برو و او را برای من در کوهی که به تو نشان می‌دهم قربانی کن. ابراهیم فرزندش اسحاق را به محل موردنظر برد و دست‌های او را بست و کارد را برداشت تا پسر را ذبح نماید. در همان حال فرشته‌ای نازل شد و به او گفت: ای ابراهیم امتحان خود را دادی و پسر یگانه خود را از من دریغ نداشتی، اکنون قوچی را که در عقب توست بگیر و آن را به جای فرزند خود ذبح نما و ابراهیم چنین کرد (سفر پیدایش، فصل ۲۲: آیات ۱-۱۵).

برخلاف باور یهود در قرآن کریم خداوند فرمان ذبح اسماعیل (ع) را به حضرت ابراهیم (ع) داد که آیات مربوط به این داستان در ادامه بیان شده است. نام حضرت ابراهیم (ع) ۲۱ مرتبه و هم‌چنین سوره‌ای نیز با نام ابراهیم در قرآن آمده است. داستان قربانی کردن اسماعیل (برخلاف باور یهود به باور مسلمانان و با استناد به قرآن ابراهیم نبی فرزندش اسماعیل را در راه خدا

و زیبا است. در آموزه‌های یهود ملکه سبا با شنیدن آوازه‌های سلیمان نبی به سرزمین وی رفته و با سلیمان ملاقات می‌کند. اما در باور مسلمانان هدهد اطلاعاتی را از سرزمین سبا برای حضرت سلیمان آورده و آن حضرت نامه‌ای به ملک سبا ارسال می‌کند که شرح این داستان در کتب یهود و مسلمانان در ادامه بیان شده است.

این داستان در کتب مذهبی یهودیان، این چنین بیان شده است: «ملکه سبا وقتی آوازه حکمت و دانش سلیمان را شنید با کاروانی از هدایا وارد اورشلیم شد و مسائل خود را با سلیمان در میان گذاشت و سلیمان به تمامی سئوالات او جواب داد. ملکه با شنیدن سخنان حکیمانه سلیمان و دیدن کاخ و تشریفات درباریان و مقامات و قربانی‌هایی که در خانه خداوند تقدیم می‌شد مات و میهوت ماند. ملکه بعد از صحبت با سلیمان هدایای بسیاری را تقدیم او کرد. سلیمان علاوه بر چیزهایی که ملکه درخواست کرد، هدایایی به ارزش همان هدایایی که برایش آورده بود به او داد. سپس ملکه سبا و همراهانش به مملکت خویش بازگشتند (کتاب دوم تواریخ، باب ۹، آیات ۱ تا ۱۳؛ کتاب اول پادشاهان، فصل ۱۰، آیات ۱ تا ۱۳).

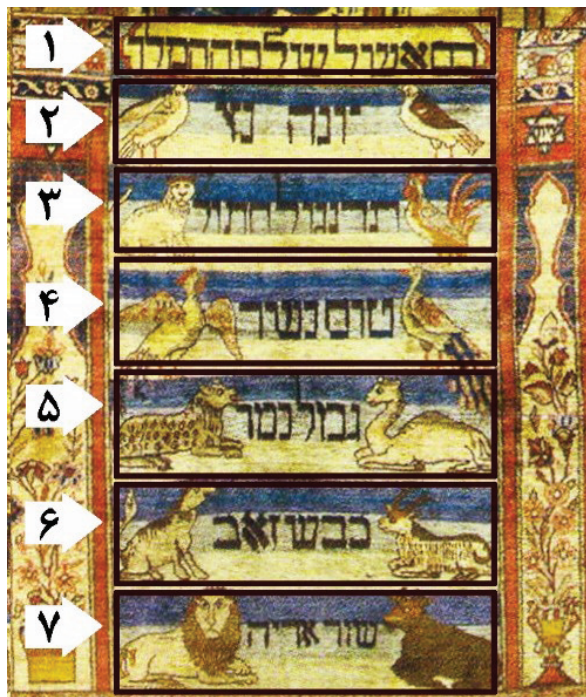
حضرت سلیمان (ع)، فرزند داوود نبی و از پیامبران قوم بنی اسرائیل است، که نام مبارک آن حضرت هفده بار در قرآن و در سوره‌های بقره، نساء، انعام، انبیاء، نمل، سبا و ص آمده است. داستان ملکه سبا در سوره «نمل» آمده است که در این سوره از زبان هدهد این ملکه و قومش توصیف می‌شوند، او چنین می‌گوید: «إِنِّي وَجَدْتُ امْرَأَةً تَمْلِكُهُمْ وَأُوتِيَتْ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَلَهُ عَرْشٌ عَظِيمٌ» (سوره نمل، آیه ۲۳). من زنی را دیدم که بر آنان حکومت می‌کند و همه چیز در اختیار دارد و (به‌خصوص) تخت عظیمی دارد.

در سوره‌ی «نمل» داستان با سراغ گرفتن حضرت سلیمان از هدهد شروع می‌شود، پس از اندکی غیبت هدهد در محضر سلیمان نبی حاضر شده و خبر از ملکه‌ی سبا و خورشیدپرستی وی می‌دهد، در فرهنگ اسلامی مفسران نام بلقیس را به ملکه سبا داده و این نام را به داستان افزوده‌اند» (طبری، ۱۳۲۳، ۹۵). حضرت سلیمان نامه‌ای با سرآغاز «بسم الله الرحمن الرحيم» برای بلقیس می‌فرستد و او را برای ایمان آوردن به نزد خود می‌خواند، ملکه پس از مشورت با بزرگان قوم خود پیشنهاد رویارویی با سلیمان را نمی‌پذیرد، زیرا این کار را موجب نابودی سرزمینش می‌داند در عوض هدایایی نزد سلیمان می‌فرستد و

سلیمان پیام پیشین خود را این بار با تهدید به همراه هدایای فرستاده شده نزد بلقیس می‌فرستد؛ ملکه سبا با هدایای نزد سلیمان می‌آید، اما آن هدایا را در برابر ثروت سلیمان ناچیز می‌یابد. قبل از آمدن بلقیس به سرزمین سلیمان، نبی خدا از راه حکمت و بهیاری وزیرش عرش بلقیس را به بارگاه خود می‌آورد. بلقیس نیز با دیدن شفافیت و تابندگی کف قصر که وی به خطا آب پنداشته بود به ظلم و شرک خود اقرار کرده و ایمان می‌آورد (حضرانی و جبرا، ۱۹۹۴، ۱۳۵-۱۳۴؛ جادالمولی، ۱۳۸۶، ۳۳۸-۳۳۵).

در بخش میانی فرش و در قسمت زیرین تصویر حضرت سلیمان و ملکه سبا ۷ نوار باریک کتیبه‌ای قرار گرفته (تصویر ۴)، که در ادامه هر یک از آن‌ها به تفکیک آورده شده است. در (کتیبه شماره ۱)، نوشته شده «تخت سلیمان پادشاه». شرح تخت پادشاهی حضرت سلیمان تنها در کتب مقدس یهود توضیح داده شده است و در منابع اسلام چنین تعاریفی برای «تخت سلیمان» بیان نشده است که این را جزء تفاوت‌های موجود در بین دو دین می‌توان بررسی کرد.

سلیمان از پیامبران دین یهود است که مدت (۴۰ سال)



تصویر ۴. کتیبه‌های قسمت میانی و قسمت زیرین تصویر حضرت سلیمان و ملکه سبا. (نگارنده)

پله‌های تخت می‌کرد، تحرکی در پله‌ها و حیوانات اطرافش دیده می‌شد؛ و هر کدام از حیوانات به نوبه خود در مقابل حضرت سلیمان احترام می‌گذاشتند، تا سلیمان نبی بر تخت بنشیند. تاج و تخت حضرت سلیمان زبانزد سلاطین و شاهزادگان آن عصر بود و پادشاهان برای دیدن تاج و تخت مزبور و زیبایی آن از راه دور به بارگاه حضرت سلیمان در اورشلیم، می‌آمدند. حدود (۴۰۰ سال)، پس از حضرت سلیمان فرعون لنگ به سرزمین یهود هجوم آورد و این تاج و تخت فوق‌العاده را به تاراج برد. ولی برای اولین بار که خواست از پله‌ها بالا رود شیر طلایی چنان ضربتی به پای او وارد آورد، که تا آخر عمر لنگ ماند و به همین جهت او را فرعون لنگ می‌نامند.

پس از زمانی که نبوکدنصر (بخت‌النصر)، معبد مقدس را ویران کرد و متعاقب آن مصر را تصرف نمود تاج و تخت سلیمان را به بابل برد و زمانی که قصد داشت بر تخت جلوس کند شیر طلایی با ضربه‌ای او را نقش زمین کرد و پس از آن دیگر جرأت نکرد نزدیک پلکان شود؛ چندی گذشت و داریوش پادشاه ایران بابل را تسخیر و تاج و تخت را با خود برد و زمانی که «خشایارشاه» قصد نشستن بر تخت را داشت او هم نتوانست و تصمیم گرفت چند مهندس مصری را استخدام کند تا تختی نظیر آن برایش بسازند. این کار سه سال طول کشید و زمانی که تخت آماده شد خشایارشاه جشن مفصلی برپا کرد که ۱۸۰ روز در شوش، به طول انجامید و بعد از آن جشن ویژه‌ای به منظور نشان دادن قدرت و شوکت حکومت به مدت هفت شبانه روز برای مردم شوش برگزار شد (دلرحیم، ۱۳۸۶، ۳۰). هم‌چنین طبق روایات حضرت سلیمان، «یک تخت سلطنتی بزرگ نیز از عاج با روکش طلای ناب ساخت. این تخت شش پله داشت و قسمت بالای پشتی تخت، گرد بود. در دو طرف آن دو دسته بود که کنار هر دسته یک مجسمه‌ی شیر قرار داشت، در دو طرف هر یک از پله‌ها دو مجسمه شیر ایستاده بودند این تخت در تمام دنیا بی‌نظیر بود (فصل اول پادشاهان، باب ۱۰، آیات ۱۸-۲۱).

در کنار این پله‌ها شاهد ظرفی هستیم که از آن گل روئیده که به صورت قرینه در طرف مقابل نیز تکرار شده است. این گونه طرح‌ها در قالی‌های ایرانی به صورت گوناگون بافته شده و می‌توان گفت جزء طرح‌های مشهور فرش ایرانی است. در بالای یکی از گلدان‌ها، نقش ستاره داوود یا سپر داوود حک شده که ستاره‌ای شش‌گوش متشکل از ترکیب دو مثلث متساوی‌الساقین است. این دو مثلث در اصل شامل دو هرم، یکی با راس رو به بالا (سمبل قدرت مصریان) و دیگری هرم واژگون است

بر بنی اسرائیل پادشاهی کرد، و در زمان این پیامبر بنی اسرائیل در صلح، نعمت فراوان و جلال به سر می‌بردند، و بنی اسرائیل تا آن زمان از آن همه مواهب برخوردار نشده بود و چنان بود که نزد ملل دیگر به قوم خدا موسوم شدند. سلیمان در ثروت و شوکت، حکمت و جلالش شهره آفاق گردید تا جایی که بزرگان از دور و نزدیک با او رابطه برقرار کردند تا از حکمت وی برخوردار شوند. از جمله این افراد، «ملکه سبا» بوده، که از شهری دور برای استفاده از حکمت سلیمان به نزد سلیمان نبی آمد (رضایی، ۱۳۸۹، ۴۵۶). «تخت پادشاهی حضرت سلیمان عظیم‌ترین تختی بود که تا آن زمان پادشاهی بر آن جلوس کرده بود. اسکلت آن از عاج ساخته شده و با روکش طلا و انواع جواهرات (یاقوت، فیروزه، زمرد و سنگ‌های قیمتی) مرصع گردیده بود. این جواهرات و سنگ‌های قیمتی روی اوراق طلا، به نحو دلربایی به رنگ‌های متنوع مشعشع بود. این تخت از زمین دارای شش پله بود و هر پله شاهد و یادآور یکی از شش فرمان ویژه‌ای بود که سلاطین یهود موظف به اجرای آن بودند، که این شش فرمان عبارتند از: برای خود اسلحه زیاد نکند؛ قوم را به مصر بازنگرداند؛ زن برای خود زیاد نکند تا قلبش منحرف نشود؛ برای خود نقره و طلا به مقدار بسیار زیاد نکند؛ نسخه‌ای از تورات برای خود روی طومار بنویسد؛ تورات همیشه همراه وی باشد و تمام ایام عمرش آن را مطالعه کند» (تثنیه، فصل ۱۷، آیه‌های ۱۶ تا ۱۹).

حضرت سلیمان برای نشستن بر تخت از شش پله عبور می‌کرد تا بر تخت بنشیند که بر روی هر یک از پله‌ها تصویر دو حیوان روبه‌روی هم و چهره‌به‌چهره قرار دارد که عبارتند از: پله‌ی اول (کتیبه شماره ۲)، در سمت راست کتیبه کبوتر و در سمت چپ تصویر باز قرار دارد که اسامی این دو پرند نیز در همین کتیبه نوشته شده است. پله‌ی دوم (کتیبه شماره ۳)، سمت راست تصویر خروس و سمت چپ تصویر گربه که اسامی آن‌ها نیز در همین کتیبه به خط عبری نوشته شده است. پله‌ی سوم (کتیبه شماره ۴)، سمت راست طاووس و سمت چپ تصویر عقاب. پله‌ی چهارم (کتیبه شماره ۵)، سمت راست شتر و در مقابل آن تصویر پلنگ است. پله‌ی پنجم (کتیبه شماره ۶)، در سمت راست گوسفند و روبه‌روی آن تصویر گرگ است. پله‌ی ششم (کتیبه شماره ۷)، سمت راست پله تصویر گاو و روبه‌روی آن تصویر شیر است. در امتداد این شش پله تصویر حضرت سلیمان و ملکه سبا قرار دارد که بر روی صندلی‌هایشان نشسته‌اند. زمانی که حضرت سلیمان پادشاه یهود برای جلوس، شروع به بالا رفتن از

که با قدرت الهی، ظالمان سرنگون می‌گردند (Newman & Sivan, 1980).

با توجه به تحلیل‌های صورت گرفته و بر اساس نظریه بینامتنیت در قالبچه مورد تحقیق گمان می‌رود هنرمند در به تصویر کشیدن مضامین موجود در فرش از توصیفات نقل شده در کتب مقدس و یا شنیدن داستان‌هایی مربوط به آنچه که در فرش آمده، مانند دوازده فرزند یعقوب نبی و یا تخت حضرت سلیمان و با استفاده از قوه تخیل خود و پیشینه قوی فرش و طراحی آن در ایران توصیفات موجود را به زیبایی به تصویر کشیده است. طراح و بافنده اثر به زیبایی باورها و عقاید مذهبی را با هنر اصیل ایران یعنی فرش ادغام کرده و مفاهیم مذهبی را با استفاده از تصاویر آشکار کرده‌اند تا از این طریق مخاطبان بیش‌تری را با خود همراه و هم‌سو کنند. زیرا انتقال پیام با استفاده از تصاویر و نقوش بیش‌ترین تأثیر و کارکرد را در بین مخاطبان اثر دارد.

نتیجه‌گیری

بررسی و تحلیل روابط بینامتنی در نقوش قالبچه حضرت سلیمان و ملکه سبا نشان‌گر آن است که هنرمند با آگاهی از پیش متن کتب مقدس یهود و هم‌چنین آشنایی با سنت‌های فرهنگ ایران در بافت فرش موردنظر به‌خوبی توانسته است داستان‌ها و اعتقادات یهود را در متن فرش ظاهر نماید و از این دست‌بافته

منابع

پر دوام به بهترین نحو در خلق اثر هنری و ماندگار بهره‌برد. با خوانش و تفسیر نشانگان کلامی، نقوش و تصاویر در فرش حضرت سلیمان و ملکه سبا چنین به نظر می‌رسد که این فرش بر اساس باورها و آموزه‌هایی برگرفته از منابع دین یهود بافته شده است. اما از منظر تاریخی جایگیری این وقایع در نمونه مورد تحقیق کاملاً به هم مرتبط نیستند و ردپای وقایع تاریخی بافته شده در آن را می‌توان در کتاب مقدس اسلام نیز مورد جست‌وجو و تحلیل قرار داد.

از آن‌جا که دین یهود و اسلام از ادیان ابراهیمی بوده و در بسیاری از اعتقادات دارای زمینه مشترک می‌باشند، در نتیجه تعاملی بین نقوش بافته شده با این دو دین ایجاد شده که می‌توان به داستان حضرت سلیمان و ملکه سبا، از آب گرفتن حضرت موسی و قربانی کردن حضرت ابراهیم اشاره کرد، که در کتب مقدس یهود و اسلام از آن‌ها به نیکی یاد گردیده و داستان‌هایی مربوط به آن‌ها با تفاوت‌هایی اندک در تورات و قرآن ذکر شده است. علاوه بر مشخصه‌های تعامل بین ادیان یهود و اسلام در فرش موردنظر هنرمند فرهنگ و دین یهود را در کنار فرهنگ ایرانی جای داده است. این تعامل‌ها شامل تصویر گلدان و طرح محرابی موجود در متن فرش و نیز مهم‌تر از همه ماندگار کردن نمادهای فرهنگی و مذهبی دین یهود بر روی اصیل‌ترین و قدیمی‌ترین هنرهای مردم ایران زمین یعنی فرش است.

- ترجمه محمد مقدم. تهران: امیرکبیر.
- پاستور، ثریا. (۱۳۸۵). نقش یهودیان در هنر و اقتصاد فرش ایران. نشریه افق بینا؛ سال هشتم، شماره ۳۱.
- پاکباز، روین. (۱۳۸۵). تقاشی ایران از دیرباز تا امروز. تهران: انتشارات زرین و سیمین.
- تورات (ترجمه کامل ۵ جلد، برگرفته از نسخه چاپی). (۱۳۶۹). <http://www.iranjewish.com/Torah.htm>
- جادالمولی، محمداحمد. (۱۳۸۶). قصه‌های قرآن. ترجمه مصطفی زمانی. قم: انتشارات پژوها اندیشه.
- حشمتی‌رضوی، فضل‌الله. (۱۳۸۰). فرش ایران. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- حضرانی، بلقیس‌ابراهیم و جبرا، جبرا ابراهیم. (۱۹۹۴). الملکه بلقیس، التاریخ والاسطوره والرمز. قاهره: مطبعة وهدان.

- آفاری، ژانت. (۱۳۸۴). از آوارگی به استقرار (یهودیان ایران در دوره قاجار). زیرنظر هومن سرشار. فرزند/استر: مجموعه مقالاتی درباره تاریخ و زندگی یهودیان در ایران (فصل دوازدهم). ترجمه مهرناز نصریه. تهران: کارنگ.
- آهنی، لاله. (۱۳۹۵). بررسی مضامین دینی در قالی‌های دوره قاجار. تهران: اولین کنفرانس بین‌المللی هنر، معماری و کاربردها. <https://civilica.com/doc/616299/>
- اتیک، آنت. (۱۳۸۴). فرش‌های دوره قاجار. زیرنظر احسان یارشاطر. تاریخ و هنر فرش‌بافی در ایران (براساس دایره‌المعارف ایرانیکا). ترجمه ر. لعلی‌خمس. تهران: نیلوفر.
- اسکارچیا، جان روبرتو. (۱۳۷۶). هنر صفوی، زند، قاجار. ترجمه یعقوب آژند. تهران: انتشارات مولی.
- اومستد، آلبرت‌تن‌آیک. (۱۳۷۲). تاریخ شاهنشاهی هخامنشی.

- طبری، محمدبن جریر. (۱۳۲۳ ه.ق). *جامع البیان فی تفسیر القرآن* (جزءهای ۹ و ۱۹). بولاق: مطبعة الکبری الامیریة.
- قاموس کتاب مقدس. (۱۳۹۴). ترجمه و تألیف جیمز هاکس. تهران: اساطیر.
- قرآن کریم. (۱۳۹۴). ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای. تهران: انتشارات پیام عدالت.
- قره‌باغی، علی اصغر. (۱۳۸۱). واژگان و اصطلاحات فرهنگ جهانی (۹): اندیشه: بینامتنیت. گلستانه؛ شماره ۴۷، ص ۳۸-۴۳.
- قملاقی، فائزه. (۱۳۹۷). *مطالعه گفتمانی تأثیرات فرهنگ دینی در فرش دوره قاجار*. دانشگاه هنر اصفهان؛ دانشکده صنایع دستی.
- کتاب مقدس: عهد عتیق و عهد جدید. (۱۳۸۳). ترجمه هنری مرتن، فاضل خان همدانی و ویلیام گلن. تهران: اساطیر.
- لوی، حبیب. (۱۳۳۳). *تاریخ یهود ایران*. تهران: کتابفروشی یهود ابروخیم.
- مسعودی، علی بن الحسین. (۱۳۷۴). *مروج الذهب و معادن الجواهر*. ترجمه ابوالقاسم پاینده. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- نامورمطلق، بهمن. (۱۳۸۶). ترامتنیت مطالعه روابط یک متن با دیگر متن‌ها. *پژوهش‌نامه علوم/انسانی*؛ شماره ۵۶. ص ۹۸-۸۳.
- نامورمطلق، بهمن. (۱۳۹۴). *درآمدی بر بینامتنیت: نظریه‌ها و کاربردها*. تهران: انتشارات سخن.

- حیدری، حسین و فلاحیان وادقانی، علی. (۱۳۸۹). تحولات اجتماعی یهودیان کاشان در عصر قاجار. *دوفصلنامه تاریخ و فرهنگ*؛ دوره ۴۲، شماره ۲. <https://doi.org/10.22067/history.v0i1.11762>
- حیدری، حسین و فلاحیان وادقانی، علی. (۱۳۹۳). بررسی و تحلیل دو نظریه درباره پیشینه یهودیان کاشان در تاریخ ایران. *تاریخ و تمدن اسلامی*؛ شماره ۱۹، ص ۸۶-۵۹.
- دلرحیم، رحمان. (۱۳۸۶). تاج و تخت سلیمان و معجزه پوریم. *نشریه افق بینا*؛ سال نهم، شماره ۳۴. <http://www.iranjewish.com/Torah.htm>
- رضایی، عبدالعظیم. (۱۳۸۹). *تاریخ ادیان جهان*. تهران: انتشارات علمی.
- ژوله، تورج. (۱۳۸۱). *پژوهشی در فرش ایران*. تهران: یساولی.
- شاهرخی شهرکی، فرنگیس؛ بیگزاده، خلیل و صادقی، اسماعیل. (۱۳۹۶). خوانش رابطه بینامتنی شعر رضوی معاصر و قرآن کریم. *فرهنگ رضوی*؛ سال پنجم، شماره ۱۸، ص ۱۴۴-۱۱۷.
- صباغ‌پور، طیبه؛ شایسته‌فر، مهناز. (۱۳۸۸). بررسی طرح‌ها و نقوش قالی‌های موجود در موزه فرش ایران. *فصلنامه علمی-پژوهشی گلجام*؛ شماره ۱۴، ص ۱۱۲-۸۹.
- صباغی، علی. (۱۳۹۱). بررسی تطبیقی محورهای سه‌گانه بینامتنیت ژنت و بخش‌هایی از نظریه بلاغت اسلامی. *فصلنامه پژوهش‌های ادبی*؛ سال ۹، شماره ۳۸، ص ۷۲-۵۹.

منابع لاتین

- Mirenayat, Sayyed Ali & Soofastaei, Elaheh. (2015). Gerard Genette and the Categorization of Textual Transcendence. *Mediterranean Journal of Social Sciences* (MCSEER Publishing, Rome-Italy); Vol: 6 No: 5. p.p: 533-537.
- Newman, Yacov & Sivan, Gavriel. (1980). *Ju-*

daism A-Z: Lexicon of Terms and Concepts. German: Department for Torah Education and Culture in the Diaspora of the World Zionist Organization
- Jewish carpe. publication Woodbridge, Suffolk AntiqueCollectors' Club(1997).Anton.felton